

## اشیاء مختلف در قرآن

۱. میخ: « وَ الْجِبَالُ أَوْتَادًا » (نبا / ۷) و کوهها را میخهای زمین.
۲. پشم: « وَ مِنْ أَسْوَأِهَا » (نحل / ۸۰) و از پشمهای آنان .
۳. کرک: « وَ أَوْبَارَهَا » (نحل / ۸۰) و کرکهای آنها.
۴. مو: « وَ أَشْعَارِهَا » (نحل / ۸۰) و موهای آنها.
۵. ائاث: « أَثَانًا وَ مَتَاعًا إِلَى حَبِينِ » (نحل / ۸۰) ائاث و متاع (و وسایل مختلف زندگی) تا زمان معینی قرار داد.
۶. قلم: « ن وَ الْقَلَمِ وَ مَا يَسْطُرُونَ » (قلم / ۱) ن، سوگند به قلم و آنچه می نویسند.
۷. ظروف غذا: « يَغْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَائِيلٍ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ » (سبا / ۱۳) آنها هر چه سلیمان می خواست برایش درست می کردند: معبدها، تمثالها، ظروف بزرگ غذا همانند حوضها. سوزن: « وَ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ ۸. حَتَّى يَلْبِغَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ » (اعراف / ۴۰) و (هیچ گاه) داخل بهشت نخواهند شد مگر اینکه شتر از سوراخ سوزن بگذرد.
۹. چراغدان: « مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكُوهُ » (نور / ۳۵) مثل نور خداوند همانند چراغدانی است.
۱۰. چراغ: « الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجِهِ » (نور / ۳۵) و آن چراغ در شیشه ای است.
۱۱. تخت: « مُتَكِّئِينَ عَلَى سُرُرٍ مَصْفُوقَةٍ » (طور / ۲۰) در حالی که بر تختهای صف کشیده در کنار هم تکیه می زنند.
۱۲. پرده: « وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ » (بقره / ۷) و بر چشمهایشان پرده ای افکنده شده.
۱۳. سفال: « خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ » (رحمان / ۱۴) انسان را از گل خشکیده ای همچون سفال آفرید.
۱۴. دیگ: « وَ قَدُورٍ رَاسِيَاتٍ » (سبا / ۱۳) و دیگهای ثابت (که از بزرگی قابل حمل و نقل نبود).
۱۵. پیمانہ: « وَ أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ » (اسراء / ۳۵) و هنگامی که پیمانہ می کنید، حق پیمانہ را ادا نمایید.
۱۶. ترازو: « وَ زِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ » (اسراء / ۳۵) و با ترازوی درست وزن کنید.
۱۷. کلید: « لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ » (زمر / ۶۳) کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست.
۱۸. آبریز (ظرف دستشویی): « بِأَكْوَابٍ وَ أَبَارِقٍ » (واقعه / ۱۸) با جامه و آبریزها.
۱۹. پیاله: « وَ كَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ » (واقعه / ۱۸) و پیاله (ها) یی از باده ناب روان.
۲۰. قفل: « أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَفْعَالُهَا » (محمد / ۲۴) آیا آنها در قرآن تدبر نمی کنند، یا بر دلهایشان قفل نهاده شده است؟
۲۱. دلو: « قَادِلِي دَلْوَةٌ » (یوسف / ۱۹) او دلو خود را در چاه افکند.
۲۲. بالش: « مُتَكِّئِينَ عَلَى زُفْرَفٍ خُضْرٍ » (رحمان / ۷۶) بر بالش سبز تکیه زده اند.
۲۳. فرش: « وَ عَبْقَرِيٌّ حِسَانٍ » (رحمان / ۷۶) و فرش نیکو تکیه زده اند.
۲۴. عصا: « قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُا عَلَيْهَا » (طه / ۱۸) (موسی) گفت: این عصای من است، بر آن تکیه می دهم.
۲۵. صندلی و تخت: « وَ أَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا » (ص / ۳۴) و بر تخت او (سلیمان) جسدی بیفکنیم.